

نشانه های ربوبیت الهی و پیامدهای انکار آن در سوره مبارکه غاشیه

معصومه نصرنصرآبادی^۱

چکیده

سوره مبارکه غاشیه از متون قرآنی برجسته است که ظرفیت بالایی برای تأمل در مفهوم ربوبیت الهی و پیامدهای انکار آن دارد. این پژوهش با هدف تحلیل مفهومی و محتوایی آیات سوره، نشانه‌های ربوبیت و آثار ناشی از انکار آن را در نظام آفرینش و معاد بررسی می‌کند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل متن سوره و منابع تفسیری، لغوی و عرفانی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ربوبیت الهی شامل خالقیت، هدایت، تربیت و تدبیر مستمر موجودات است و جلوه‌های آن در طبیعت، از جمله شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین، به وضوح نمایان می‌شود. همچنین، پیامدهای انکار ربوبیت شامل گرفتار شدن در عذاب قیامت، محرومیت از نعمت‌های بهشتی و غفلت از نشانه‌های الهی است. نتیجه آن‌که پذیرش ربوبیت الهی مسیر هدایت و سلوک اخلاقی-معنوی انسان را هموار کرده و الگویی روشن از عبودیت هدفمند، مسئولیت‌پذیری و تأمل در نظام آفرینش ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: پیامدهای انکار، ربوبیت، سوره غاشیه، نشانه های ربوبیت.

^۱ طلبه سطح دو غیرحضوری حوزه علمیه خواهران مرکز قم.

Mis.nasr۱۳۷۶@gmail.com
ORCID: ۰۰۰۹-۰۰۰۱-۸۵۳۱-۵۱۲

مقدمه

در سنت دینی اسلام، قرآن کریم همواره به عنوان منبعی بنیادین برای تبیین مفاهیم توحیدی و معارف الهی شناخته شده است. یکی از مفاهیم اساسی که در آیات متعدد قرآن مورد توجه قرار گرفته، ربوبیت الهی است؛ مفهومی که به معنای تدبیر، پرورش و هدایت موجودات به سوی کمال شایسته‌ی خویش به کار رفته و پیوندی عمیق با حیات فردی و اجتماعی انسان دارد. سوره مبارکه غاشیه از جمله سوره‌هایی است که با بیانی رسا، هم به نشانه‌های ربوبیت الهی در نظام آفرینش اشاره می‌کند و هم پیامدهای انکار آن را برای انسان بازتاب می‌دهد.

اهمیت بررسی این سوره از آن روست که مخاطب را میان دو رویکرد اساسی قرار می‌دهد: پذیرش ربوبیت و حرکت در مسیر هدایت، یا انکار آن و گرفتار شدن در پیامدهای سهمگین دنیوی و اخروی. از این منظر، مطالعه دقیق نشانه‌ها و پیامدهای یادشده، نه تنها می‌تواند افق‌های تازه‌ای در فهم قرآنی از ربوبیت بگشاید، بلکه در تربیت اخلاقی و اجتماعی نیز تأثیرگذار است.

با توجه به این که در مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی به ربوبیت و سوره غاشیه با رویکردهای مختلف پرداخته شده است، از جمله: ۱- پیوند دعا و ربوبیت از نگاه قرآن نوشته اعظم صلواتی، عباس همامی، عزیزالله افشار کرمانی، ۱۴۰۱؛ ۲- نشانه‌شناسی سوره مبارکه غاشیه نوشته عباس اقبالی، ۱۳۹۵؛ ۳- بررسی سوره مبارکه غاشیه از دیدگاه مفسران نوشته رضا کهساری، روزیتا خواجه‌پور، ۱۴۰۰؛ ۴- ربوبیت و تربیت نوشته احمد ترابی، ۱۳۸۹؛ که در آنها به بررسی جداگانه ربوبیت و سوره غاشیه پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک از این آثار به‌طور خاص و متمرکز به تحلیل نشانه‌های ربوبیت الهی و پیامدهای انکار آن در سوره مبارکه غاشیه نپرداخته‌اند.

همین خلاء پژوهشی، انگیزه‌ی نگارش مقاله‌ی حاضر شده است؛ این نوشتار در پی آن است تا با واکاوی دقیق متن سوره غاشیه، نشانه‌های ربوبیت الهی و آثار تربیتی و اعتقادی انکار آن را تحلیل کند؛ تحلیلی که می‌تواند در فهم جایگاه انسان در نظام آفرینش و مسئولیت او در برابر پروردگار نقش‌آفرین باشد.

این پژوهش در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش نخست، به معناشناسی مفاهیم بنیادین ربوبیت و نشانه‌های آن پرداخته می‌شود. بخش دوم به معرفی اجمالی سوره غاشیه پرداخته شده است و در بخش سوم

به بررسی نشانه‌های ربوبیت الهی در سوره مبارکه غاشیه اختصاص دارد. در بخش چهارم پیامدهای انکار ربوبیت در این سوره مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، در بخش آخر نتایج این بررسی در قالب جمع‌بندی ارائه شده و تأثیر توجه به ربوبیت و پرهیز از انکار آن بر زندگی دنیوی و اخروی انسان بازنمایی می‌شود. چنین ساختاری زمینه‌ای روشن برای درک هرچه عمیق‌تر پیوند میان نشانه‌های ربوبیت الهی و پیامدهای انکار آن در متن قرآن کریم فراهم می‌آورد.

۱. مفهوم‌شناسی ربوبیت الهی

برای فهم بهتر نشانه‌های ربوبیت در سوره غاشیه، نخست باید خود مفهوم «ربوبیت» تبیین شود. این واژه در متون لغوی، تفسیری و کلامی با معانی متعددی چون مالکیت، تدبیر، هدایت و پرورش موجودات به کار رفته است. از یک سو، بررسی ریشه لغوی و کاربرد قرآنی «رَبَّ» ما را با گستره معنایی این واژه آشنا می‌سازد؛ از سوی دیگر، دیدگاه مفسران، دانشمندان و عارفان نشان می‌دهد که ربوبیت صرفاً به معنای آفرینش اولیه نیست، بلکه شامل تدبیر و هدایت مستمر جهان نیز می‌شود. در نهایت، مقایسه ربوبیت با دیگر مفاهیم بنیادین همچون خالقیت و الوهیت، جایگاه ویژه این صفت الهی را در نظام توحیدی روشن می‌سازد. در ادامه، برای روشن‌تر شدن این مفهوم، به سه محور زیر پرداخته خواهد شد:

۱.۱. ریشه لغوی و کاربرد قرآنی «رَبَّ»

رَبَّ (قرشی بنابی، ۱۴۱۲ق، ج. ۳، ص. ۴۲-۴۴) به معنای تربیت کردن است. برای نمونه عبارت: «رَبَّ الصَّبِيِّ رَبًّا: رَبًّا حَتَّىٰ أَدْرَكَ» یعنی بچه را تربیت کرد تا به رشد رسید (شرتونی، ۱۴۱۶ق، ج. ۲، ص. ۳۳۴) و اطلاق آن بر فاعل یعنی مَرَبِّی به صورت استعاره می‌باشد. اگرچه واژه ربوبیت در قرآن ذکر نشده، ولی واژه رَبَّ نهصد بار ذکر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج. ۳، ص. ۳۷۴). این کاربرد نشان‌دهنده‌ی محوریت «ربوبیت» در نظام اعتقادی قرآن است.

کلماتی چون رَبَّنَا، رَبِّهِ، رَبِّکُمْ، رَبُّهَا، رَبَّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ، رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّ الْمَغْرِبِينَ و رَبَّ الْمَشْرِقِينَ در قرآن فراوان به چشم می‌خورد که همگی به خداوند اشاره دارد. این واژه معمولاً به صورت مفرد استعمال نمی‌شود و پیوسته به صورت مضاف می‌آید، گاهی مضاف به ضمیر است و گاهی مضاف به

اسم ظاهر؛ مثل «ربُّ العرش»، «ربُّ الناس»، «ربُّنا» و «ربُّ العالمین»؛ و گاهی اضافه به یکی دیگر از اسمای حسنای الهی؛ مثل «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ» (یس: ۱۶۵) و با مروری به مضاف الیه «ربُّ» درمی یابیم که عالم هستی و تمامی جلوه های وجود، مربوب و مملوک اویند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج. ۱، ص. ۵۰۹-۵۲۲).

ابن فارس ربَّ را به معنی مالک، خالق، صاحب و مصلح دانسته و فیروز آبادی نیز می گوید: رب به معنی مالک، مستحق، صاحب آمده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳ش، ج. ۲، ص. ۲۴۸). طبرسی در تفسیر سوره حمد چند معنی از جمله: رئیس، مطاع، مالک، صاحب (رفیق)، مربی و مصلح برای ربَّ نقل کرده و گوید: آن از تربیت مشتق است و این کلمه به طور اطلاق جز به خدا گفته نمی شود و در غیر خدا مقید می آید؛ نحو: ربَّ الدار، ربَّ الضیعه (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج. ۱، ص. ۹۴). راغب اصفهانی نیز بیان می کند: ربَّ در اصل به معنی تربیت است و اطلاق آن بر فاعل به صورت استعاره می باشد و ربَّ به طور اطلاق فقط بر خداوند اطلاق می گردد که متکفل به اصلاح موجودات است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۳۶).

به این ترتیب، واژه «ربَّ» در قرآن نه تنها به معنای مالک و خالق، بلکه به معنای پرورش دهنده و مدبّر جهان است، و مفهوم ربوبیت الهی، جامع خالقیت، هدایت و تربیت مستمر موجودات می باشد.

۱.۲. تبیین مفهوم ربوبیت از منظر لغوی و دیدگاه مفسران و عارفان

ربوبیت از ریشه «رب» گرفته شده و معانی متعددی دارد؛ از جمله مالک (طبرسی، ۱۳۸۴ش، ج. ۱، ص. ۹۵)، تربیت کننده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۳۶)، اصلاح کننده (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۸۱-۳۸۲)، سید (مولی)، تدبیر کننده، قیّم و نعمت دهنده آمده است (طوسی، ۱۳۷۲ش، ج. ۱، ص. ۳۲). این معانی نشان می دهند که ربوبیت، فراتر از خالقیت صرف، شامل هدایت، تربیت و تدبیر مستمر موجودات نیز می شود. در اصطلاح عرفانی، ربوبیّت صفتی از صفات ذات اضافه است و مقام تعبد محض و محور صفات، ربوبیت است. همانطور که گفته شده است: «الربوبیّة سبقت العبودیّة و بالربوبیّة ظهرت العبودیّة و تمام وفاء العبودیّة مشاهدۀ الربوبیّة» (سجادی، ۱۳۶۷ش، ج. ۲، ص. ۹۰۳).

به باور شیخ طوسی، فقیه و مفسر شیعه قرن پنجم هجری، ربوبیت عبارت است از ایجاد حالت های پی در پی در موجودی تا آن موجود در تربیت به حد کمال برسد. از آنجا که خداوند خالق عالم است، او ربَّ

مخلوقات نیز می‌باشد و تدبیر و هدایت همه موجودات در طول مراحل وجودی‌شان به او نسبت داده می‌شود (طوسی، ۱۳۷۲ش، ج. ۲، ص. ۴۷۱-۴۷۲).

سید مرتضی عسکری، سیره‌نگار و مورخ شیعه قرن پانزدهم هجری، نیز مفهوم رب و ربوبیت در اصطلاح اسلامی را چنین تبیین می‌کند: تربیت و تدبیر مخلوقات در طی مراحل زندگی تا رسیدن هر یک از آنها به درجه کمال وجودی خود (عسگری، ۱۳۷۸ش، ج. ۱، ص. ۱۴۹-۱۵۰).

این تحلیل نشان می‌دهد که ربوبیت، هم از لحاظ لغوی و هم از لحاظ اصطلاحی، مفهومی جامع و فراگیر است که شامل مالکیت، هدایت، تربیت و تدبیر مستمر جهان و موجودات می‌باشد. بنابراین، مطالعه و تحلیل آیات قرآن در زمینه نشانه‌های ربوبیت، پایه‌ای برای فهم جایگاه خداوند در نظام هستی و تربیت انسان است و زمینه را برای بررسی نشانه‌های ربوبی در سوره غاشیه فراهم می‌کند.

۱.۳. تفاوت ربوبیت با الوهیت و خالقیت

توحید در الوهیت بر دیگر انواع توحید برتری دارد و بالاترین درجه توحید محسوب می‌شود؛ زیرا توحید در الوهیت به معنای اعتراف به این است که تنها موجود مستحق عبادت، دارای همه صفات کمال و جمال بالاستقلال، خداوند متعال است (سبحانی، ۱۳۷۶ش، ص. ۱۸). محمدتقی مصباح یزدی، فیلسوف و متکلم شیعه، بر این باور است که ربوبیت با خالقیت تلازم دارد و محال است که رب و پروردگار جهان غیر از خالق آن باشد؛ یعنی آفریننده جهان و موجودات، آنها را حفظ و اداره نیز می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۴ش، ج. ۱، ص. ۸۴). علاوه بر این، صفت ربوبیت با صفت الوهیت (شایسته پرستش بودن) نیز پیوستگی دارد؛ به این معنا که فقط رب جهان شایسته عبادت و پرستش است، زیرا تنها کسی شایسته پرستش است که مالک و صاحب اختیار امور باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ش، ص. ۶۲).

بر همین اساس، آیه ۱۳ سوره فاطر به صراحت بر تلازم ربوبیت و الوهیت تأکید دارد (همان). بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که ربوبیت، خالقیت و الوهیت، سه صفت متمایز اما مرتبط خداوندی هستند: خالقیت آغازگر آفرینش، ربوبیت شامل تدبیر و پرورش مستمر موجودات و الوهیت نشان‌دهنده شایستگی عبادت و پرستش است. این فهم، پایه‌ای محکم برای تحلیل نشانه‌های ربوبیت در سوره غاشیه فراهم می‌کند.

۲. معرفی اجمالی سوره غاشیه

سوره مبارکه غاشیه یکی از سوره‌های مکی قرآن کریم است که در مکه نازل شده و در ترتیب نزول، شصت و هشتمین سوره‌ای است که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. در چینش کنونی مُصحف، این سوره هشتاد و هشتمین سوره و در جزء سی‌ام قرآن جای دارد (معرفت، ۱۳۷۱ش، ص. ۱۶۶). این سوره را «غاشیه» می‌نامند، زیرا در آغاز آن از غاشیه سخن گفته شده است (خرمشاهی، ۱۳۷۷ش، ج. ۲، ص. ۱۲۶۳). واژه «غاشیه» به معنای پوشاندن است و یکی از نام‌های قیامت محسوب می‌شود؛ انتخاب این نام به این دلیل است که حوادث هولناک قیامت ناگهان همه را زیر پوشش خود قرار می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ج. ۵، ص. ۴۸۴).

دو محور اساسی این سوره، توحید و معاد هستند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج. ۲۲، ص. ۱۷۸) که انسان را به تفکر در ربوبیت الهی و توجه به پیامدهای انکار آن دعوت می‌کنند. این ویژگی‌ها، سوره غاشیه را به نمونه‌ای برجسته از آیات تربیتی و دعوت به تدبیر در نظام آفرینش و معاد تبدیل کرده است.

۳. نشانه‌های ربوبیت الهی در سوره غاشیه

سوره غاشیه با ترسیم دو سرانجام متفاوت برای انسان‌ها — عذاب دردناک برای منکران و نعمت‌های جاودانه برای اهل ایمان — جایگاه ربوبیت الهی را در زندگی و سرنوشت انسان‌ها آشکار می‌سازد. این سوره، از یک سو جلوه‌های ربوبیت خداوند در نظام آفرینش را یادآوری می‌کند و از انسان می‌خواهد با تدبیر در نشانه‌های طبیعت، به قدرت و حکمت پروردگار پی ببرد؛ و از سوی دیگر، به ربوبیت الهی در معاد و حسابرسی قیامت می‌پردازد و نشان می‌دهد که تدبیر و پرورش الهی تنها به دنیا محدود نیست، بلکه در آخرت نیز ظهور می‌یابد. از این رو، می‌توان نشانه‌های ربوبیت در سوره غاشیه را در دو محور بررسی کرد:

۳.۱. نشانه‌های ربوبیت در نظام آفرینش

خداوند در سوره مبارکه غاشیه، پس از بیان صحنه‌های قیامت، انسان را به تفکر در مظاهر آفرینش دعوت می‌کند: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ

﴿۱۹﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سَطَحَتْ ﴿۲۰﴾ (غاشیه: ۱۷-۲۰). این آیات نمونه‌ای روشن از نشانه‌های ربوبیت الهی در طبیعت‌اند که جلوه‌های قدرت، حکمت و تدبیر خداوند را آشکار می‌سازند.

۳.۱.۱. شتر؛ جلوه‌ای از تدبیر و قدرت خداوند

خلقت شتر در این آیه «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (غاشیه: ۱۷) به‌عنوان یکی از نشانه‌های آشکار ربوبیت خداوند مطرح شده است. این آیه انسان‌ها را به دقت و تدبیر در نظام آفرینش فرا می‌خواند و قدرت و حکمت خالق را آشکار می‌کند.

طباطبایی بیان می‌کند: این آیه، منکران ربوبیت خداوند ابتدا دعوت می‌شوند که به خلقت شتر نظر کنند و دقت نمایند که چگونه خداوند آن را از زمینی مرده و فاقد حیات به این صورت شگفت‌آور آفریده است؛ ساختار عظیم شتر، اعضا، قوا و افعال آن همه شگفت‌انگیزند و انسان‌ها می‌توانند از آن برای سواری، حمل بار، گوشت، شیر، پوست و حتی کرک و فضولاتش بهره‌مند شوند. آیا هیچ انسان عاقلی می‌تواند باور کند که شتر و این همه منافع آن به خودی خود و بدون هدف آفرینش پدید آمده است، و انسان هیچ مسئولیتی در برابر این نعمت‌ها ندارد؟ (طباطبایی، ۱۳۷۸ش، ج. ۲۰، ص. ۴۵۹). این آیه نشان می‌دهد که شتر نمونه‌ای روشن از ربوبیت الهی است که قدرت، تدبیر و هدفمندی خداوند را در نظام آفرینش به تصویر می‌کشد.

۳.۱.۲. آسمان؛ نمادی از نظم و هدایت الهی

در آیه ۱۸ سوره غاشیه «وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ»، آسمان بلند و برافراشته با همه‌ی ستارگان و سیارات و نظم دقیق آن، جلوه‌ای از شگفتی‌های خلقت معرفی شده است. این نظم و هماهنگی در آفرینش، انسان را به یاد آفریدگار هستی می‌اندازد و او را به تفکر در قدرت و تدبیر الهی فرا می‌خواند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج. ۲۲، ص. ۱۸۳). در حقیقت، ربوبیت خداوند در این است که آسمان و تمامی کرات آسمانی را به شکلی هماهنگ و هدفمند سامان داده و با تدبیر خویش آن‌ها را در مسیر مشخصی قرار داده است.

چنان‌که حسینی همدانی بیان می‌کند، از جمله نشانه‌های توحید و آثار فعل پروردگار، خلقت بی‌شمار کرات و ستارگانی است که در جو و فضای بی‌کران در حرکت‌اند و هرگز بشر قادر به احاطه کامل بر نهایت آن‌ها نخواهد بود. همه‌ی این اجرام آسمانی، اعم از سیارات و کهکشان‌ها، در مسیر خاص خود در حرکت‌اند و

هیچ یک لحظه‌ای از حرکت باز نمی‌ایستند؛ بلکه با نیروی جاذبه و گریز، همواره نظامی پویا و دقیق را شکل می‌دهند که حیات و تعادل زندگی بشر و دیگر موجودات بر آن استوار است (حسینی همدانی، ۱۳۸۰ش، ج. ۱۸، ص. ۱۱۵).

از این منظر، اشاره قرآن به «رَفَع» آسمان نه تنها بعدی عرفانی و ایمانی دارد که انسان را به تدبیر در قدرت خداوند فرامی‌خواند، بلکه از نظر علمی نیز نشان‌دهنده‌ی نظامی دقیق و حکیمانه در عالم هستی است. این نظم شگفت‌انگیز، یکی از بارزترین جلوه‌های ربوبیت الهی است که هم در سطح کیهانی و هم در زندگی روزمره انسان‌ها حضور دارد.

۳.۱.۳. کوه‌ها؛ تثبیت زمین و استواری خلقت

در آیه «وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ» (غاشیه: ۱۹) توجه انسان به استقرار کوه‌ها و نقش حیاتی آن‌ها در تثبیت زمین جلب شده است. کوه‌ها همچون میخ‌هایی محکم بر زمین نصب شده‌اند و مانع لرزش‌ها و بی‌ثباتی‌های شدید طبیعی می‌شوند. این ساختار استوار نه تنها تعادل زمین را حفظ می‌کند، بلکه شرایط زندگی پایدار موجودات را نیز فراهم می‌آورد و نظم محیط زیست را تأمین می‌کند.

به تعبیر مغنیه، کوه‌ها «میخ‌های زمین» هستند؛ آنها باعث آرامش زمین شده‌اند و اگر وجود نداشتند، زمین ساکنانش را به حرکت در می‌آورد و نظم حیات بر هم می‌خورد (مغنیه، ۱۳۸۶ش، ج. ۸، ص. ۹۷). این حقیقت نشان می‌دهد که نصب کوه‌ها، نمونه‌ای روشن از ربوبیت خداوند است؛ یعنی تدبیر، مراقبت و هدایت مستمر او در اداره جهان و مخلوقاتش. هر کوه و هر ارتفاعی که در زمین مشاهده می‌کنیم، نشانه‌ای از قدرت و حکمت الهی است که هدفمندی و نظم آفرینش را به تصویر می‌کشد.

خداوند با ایجاد چنین نظم و تعادلی، قدرت و حکمت خود را در نظام آفرینش آشکار می‌سازد و انسان را به تفکر و تدبیر در آفریدگار فرا می‌خواند. توجه به این نشانه‌ها، علاوه بر تقویت ایمان و باور به ربوبیت الهی، انسان را به مسئولیت‌پذیری در برابر محیط زیست و بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی دعوت می‌کند. در حقیقت، کوه‌ها نه تنها نشان‌دهنده قدرت خداوند هستند، بلکه یادآور اهمیت تعادل و پایداری در زندگی انسان و ضرورت رعایت نظم در روابط اجتماعی و طبیعت نیز می‌باشند.

بنابراین، تدبیر در نقش کوه‌ها و جایگاه آن‌ها در تثبیت زمین، انسان را به تفکر در حکمت و ربوبیت الهی هدایت می‌کند و رابطه مستقیمی میان معرفت انسان به آفریدگار و مسئولیت او در استفاده بهینه از نعمت‌های جهان برقرار می‌سازد.

۳.۱.۴. زمین گسترده‌شده؛ بستر زندگی و نشانه ربوبیت

در آیه «وَالْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (غاشیه: ۲۰)، انسان به تدبیر در نظم و گستردگی زمین فراخوانده می‌شود. این آیه نشان می‌دهد که زمین برای حرکت، زندگی و تأمین نیازهای موجودات آماده شده است و نظام آفرینش با دقت و هدفمندی سامان یافته است. زمین گسترده، زمینه‌ای استوار برای زندگی انسان و سایر موجودات فراهم می‌آورد و بیانگر مراقبت و تدبیر مستمر خداوند در اداره جهان است.

از منظر تفسیری، روایت شده که علی علیه‌السلام چهار فعل «خلقت، رفعت، نصبت، سطحت» را به صورت مجهول و با «تاء» ضمیر قرائت کرده و مفعول در تمام این فعل‌ها محذوف است؛ به این معنا که همه این اقدامات مستقیم به خداوند نسبت داده می‌شوند و انسان را به تدبیر در آفرینش و شناخت ربوبیت الهی فرا می‌خواند (طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج. ۶، ص. ۶۲۴). این تأمل در گستردگی و نظم زمین، انسان را متوجه وجود صانعی توانا، دانا و حکیم می‌کند که همه امور جهان را بر اساس برنامه‌ای دقیق و هدفمند مدیریت می‌نماید. به بیان حسینی همدانی، غرض از ذکر آثار توحیدی و افعالی پروردگار آن است که نشان دهد نظامی که در سرتاسر جهان فرمانروایی می‌کند، ناشی از شئون تدبیر و تربیت آفریدگار است و زندگی و آزمون بشر در این چارچوب معنا پیدا می‌کند. بدین ترتیب، انسان ناگزیر است به سپاس نعمت‌های خداوند قیام کند و از فرصت زندگی برای رشد و تعهد به ربوبیت الهی بهره گیرد (حسینی همدانی، ۱۳۸۰ش، ج. ۱۸، ص. ۱۱۶).

تدبیر در گستردگی و نظم زمین، علاوه بر آشکار ساختن قدرت و حکمت خداوند، انسان را به مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زیست، رعایت تعادل در زندگی و شکرگزاری از نعم الهی دعوت می‌کند. زمین گسترده‌شده، نمادی روشن از ربوبیت خداوند است که انسان را به بازشناسی تدبیر الهی و تقویت ایمان خود در مسیر هدایت و سعادت نهایی هدایت می‌نماید.

۳.۲. نشانه‌های ربوبیت در معاد و حسابرسی قیامت

سوره غاشیه وضعیت انسان‌ها در قیامت را به تصویر می‌کشد و اهمیت باور به ربوبیت خداوند را در سرنوشت نهایی آنان نشان می‌دهد. آیات ابتدایی سوره چهره کسانی را نشان می‌دهد که ربوبیت خداوند را انکار کرده‌اند: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴿٥﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ﴿٦﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾»

این آیات بیانگر غفلت انسان از ربوبیت خداوند و پیامدهای آن در قیامت است؛ کسانی که این حقیقت را انکار کنند، با چهره‌ای خاشع و بی‌ثمر، در برابر عذاب قرار می‌گیرند و هیچ تلاشی از آنها سود نمی‌برد. در مقابل، آیات ۸ تا ۱۶ سرنوشت مؤمنان را ترسیم می‌کنند و نشان می‌دهند که ایمان و توجه به ربوبیت الهی، مسیر هدایت و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی را فراهم می‌سازد. در این مسیر، ربوبیت الهی، مقتضی برپایی قیامت و حضور انسان‌ها در پیشگاه خداوند است (هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، ۱۳۸۶ش، ج. ۱۴، ص. ۱۲۹) و این اصل، نشان‌دهنده تدبیر و هدایت مستمر خداوند در معاد و حسابرسی انسان‌ها است.

آیات ۱۷ تا ۲۰ نیز با دعوت انسان به تدبیر در نشانه‌های خلقت (شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین) تأکید می‌کند که غفلت از این نشانه‌ها، انکار ربوبیت و گرفتار شدن در عذاب قیامت را به همراه دارد. این آیات، پیوند مستقیم میان تدبیر الهی، قدرت خداوند و مسئولیت انسانی را به وضوح نشان می‌دهند.

۴. پیامدهای انکار ربوبیت در سوره غاشیه

یکی از محورهای مهم سوره غاشیه، پیامدهای انکار ربوبیت خداوند توسط انسان است که در قالب وضعیت انسان‌ها در قیامت و نشانه‌های الهی بیان شده است. بر اساس آیات این سوره، پیامدهای انکار ربوبیت را می‌توان در چهار حوزه اصلی دسته‌بندی کرد:

۴.۱. گرفتار شدن در عذاب قیامت

یکی از پیامدهای انکار ربوبیت، گرفتار شدن انسان در عذاب قیامت است. در آیات ۱ تا ۷ سوره غاشیه آمده است: «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴿٥﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ﴿٦﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾»

این آیات وضعیت کسانی را نشان می‌دهند که ربوبیت خداوند را انکار کرده‌اند: صورت‌هایشان خاشع و خسته است، و در معرض آتش سوزان و عذاب شدید قرار دارند. بدین ترتیب، انکار ربوبیت نه تنها انسان را از بهره‌مندی از هدایت و رحمت الهی محروم می‌کند، بلکه او را مستقیماً در معرض عذاب و بلای دنیا و آخرت قرار می‌دهد.

ربوبیت الهی همواره با انذار و بشارت همراه است و در قالب اعمال رحمت و غضب جلوه‌گر می‌شود. غضب الهی، هرچند مطلوب خداوند نیست، به حکم ضرورت، عدالت، عزت و حکمت الهی اعمال می‌شود و در دنیا به صورت بلاء و استدراج و در آخرت به شکل عذاب جهنم آشکار می‌گردد (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱ش، ص. ۵۴۵). همچنین، حسینی همدانی بیان می‌کند که بیگانگان از نظر قطع رابطه ارادی خود با پروردگار و اظهار فخر به کفر و ناسپاسی، مسیر خود را از رحمت الهی جدا می‌کنند و چنین سلوکی، سرانجامش شعله‌های آتشین دوزخ خواهد بود (حسینی همدانی، ۱۳۸۰ش، ج ۱۸، ص. ۱۱۲).

در مجموع، این آیات و تحلیل‌ها نشان می‌دهند که پذیرش ربوبیت و توجه به تدبیر و حکمت خداوند، شرط ضروری برای رهایی از عذاب و بهره‌مندی از رحمت الهی است و انکار آن سرنوشت انسان را در مسیر هولناک قیامت رقم می‌زند.

۴.۲. محرومیت از نعمت‌های بهشتی

از دیگر پیامدهای انکار ربوبیت الهی، محرومیت از نعمت‌های گسترده بهشتی است. در آیات ۸ تا ۱۶ سوره غاشیه، خداوند وضع مؤمنان پذیرفته‌گان ربوبیت را چنین توصیف می‌کند: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ﴿۸﴾ لِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ ﴿۹﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿۱۰﴾ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ﴿۱۱﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿۱۲﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿۱۳﴾ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ﴿۱۴﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿۱۵﴾ وَزَوَاجٌ مُّثَبَّتَةٌ ﴿۱۶﴾».

این آیات به‌خوبی نشان می‌دهد که پذیرش ربوبیت الهی انسان را به بهشتی والا و آرامش‌بخش می‌رساند؛ جایی که چهره‌ها با شادابی و آرامش می‌درخشند، اعمال و تلاش‌های مؤمنان مورد رضایت قرار می‌گیرد و انسان در محیطی سرشار از پاکی، امنیت و رفاه قرار می‌گیرد: از چشمه‌های روان و بسترهای نرم تا جام‌های آماده، بالش‌های آراسته و فرش‌های گسترده.

به همین قیاس، انکار ربوبیت مساوی است با محرومیت از این مواهب عظیم. کسی که ربوبیت خداوند را نمی‌پذیرد و در برابر هدایت الهی تسلیم نمی‌شود، نه تنها از سعادت ابدی باز می‌ماند، بلکه نتیجه طبیعی این بی‌اعتنایی، دور ماندن از رضوان و نعمت‌های اخروی است. در این باره، حسینی همدانی نجفی توضیح می‌دهد: «ایمان اهل ایمان و صفاء و نورانیت روح آنها در اثر خواست خودشان از جمله مظاهر صفت ربوبیت حق سبحانه خواهد بود. نتیجه آن است که صفت ربوبیت و صفت رب مقتضی ایمان و صفاء روح اهل ایمان است، و هم‌چنین صفت منتقم مقتضی گروهی از اشقیاء است که ارواح پلید آنان و خواسته ذاتی و اکتسابی آنان بُعد و محرومیت از فضل و رحمت حق سبحانه خواهد بود» (حسینی همدانی نجفی، ۱۳۶۳ش، ج. ۵، ص. ۴۸).

بر این اساس، نعمت‌های بهشتی در واقع ثمره پذیرش ربوبیت هستند و محرومیت از آنها، نتیجه طبیعی انکار ربوبیت به شمار می‌آید.

۴.۳. غفلت از نشانه‌های آفرینش و قدرت الهی

از دیگر پیامدهای انکار ربوبیت، غفلت از نشانه‌های روشن آفرینش و تدبیر الهی در جهان هستی است. در آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره غاشیه خداوند انسان را به تأمل در چهار نمونه بارز از آیات آفاقی دعوت می‌کند: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)».

این آیات با اشاره به شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین، نمونه‌هایی عینی از قدرت و حکمت خداوند را پیش روی انسان قرار می‌دهند. هر یک از این مظاهر، نشانه‌ای آشکار از ربوبیت الهی‌اند؛ شتر با ساختار شگفت‌انگیز و منافع بی‌شمارش، آسمان با عظمت و نظم استوارش، کوه‌ها با نقش تثبیت‌کنندگی‌شان و زمین با گسترده‌گی و کارآمدی‌اش در تأمین زندگی موجودات. همان‌طور که مشکینی اردبیلی توضیح می‌دهد: «خلاصه این آیات بینات آن که: ای منکران و مشککان در صانع عالم! نظر کنید در انواع مخلوقات، و تدبّر نمایید در آن تا بر کمال قدرت خالق یقین کنید و ایمان بیاورید» (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲ش، ج. ۸، ص. ۴۴۵). این بیان نشان می‌دهد که غرض اصلی آیات، برانگیختن حس اندیشه و بازگرداندن دل انسان به حقیقت ربوبیت الهی است.

بر این اساس، کسی که در برابر چنین نشانه‌های آشکار بی تفاوت باشد، در واقع چشمان خود را بر حقیقت قدرت و تدبیر خداوند بسته است. این غفلت نه تنها او را از معرفت الهی محروم می‌سازد، بلکه راه انکار معاد و سستی در مسئولیت‌های اخلاقی و دینی را نیز هموار می‌کند.

۴.۴. عذاب بزرگ و بازگشت به سوی خدا

در آیات پایانی سوره غاشیه آمده است: «إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ * فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ * إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (غاشیه: ۲۳-۲۶). این آیات، با لحنی هشداردهنده، سرنوشت کسانی را بیان می‌کنند که در برابر ربوبیت الهی گردن نمی‌نهند و راه کفر و سرپیچی را در پیش می‌گیرند. نتیجه‌ی چنین موضعی چیزی جز گرفتار شدن در «عذاب اکبر» نیست؛ عذابی که فراتر از رنج‌های دنیوی بوده و نشانه‌ای از غضب الهی در آخرت است. حجتی در تفسیر این بخش می‌نویسد: «کسانی که علیه ربوبیت خداوند اجتماع می‌کنند، بعد از آنکه مردم آن را پذیرفتند، حجتشان نزد پروردگارشان باطل است و غضب خداوند شامل آنان می‌شود و عذابی شدید در انتظارشان خواهد بود» (حجتی، ۱۳۸۴ش، ص. ۴۸۵).

از سوی دیگر، تعبیر «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ» یادآور این حقیقت است که بازگشت همه انسان‌ها به سوی خداوند امری اجتناب‌ناپذیر است. به تعبیر نجفی، ضمیر در «إِيَابَهُمْ» به «مَنْ كَفَرَ» بازمی‌گردد و بدین معناست که کافران هرچند در دنیا راه انکار را می‌پیمایند، اما هرگز نمی‌توانند از سلطه و قدرت خداوند بگریزند؛ آنان ناگزیر در نهایت به سوی پروردگار بازگشت خواهند کرد (نجفی، ۱۳۹۸ش، ج ۲۰، ص. ۲۶۶).

بر این اساس، انکار ربوبیت الهی سرانجامی دوگانه دارد: از یک سو عذاب بزرگ و سهمگین در آخرت، و از سوی دیگر بازگشت ناگزیر به پیشگاه الهی و قرار گرفتن در برابر حسابرسی دقیق او. این جمع‌بندی نشان می‌دهد که ربوبیت الهی نه تنها در نظام آفرینش و تدبیر دنیا آشکار است، بلکه در عرصه‌ی جزا و حساب آخرت نیز جلوه‌ای کامل و گریزناپذیر دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی تحلیلی نشانه‌های ربوبیت الهی در سوره غاشیه نشان می‌دهد که ربوبیت، فراتر از صفتی ذاتی از صفات خداوند، زمینه‌ای بنیادی برای درک رابطه انسان با آفرینش و مسئولیت‌های اخلاقی او فراهم می‌آورد. آیات مرتبط با خلقت شتر، نظم آسمان، استواری کوه‌ها و گستردگی زمین، جلوه‌هایی از قدرت، حکمت و هدایت مستمر خداوند را به تصویر می‌کشند و انسان را به تدبیر در نظام هستی و پذیرش نقش خود در مسیر کمال فرا می‌خوانند.

این تحلیل نشان می‌دهد که ربوبیت، نه تنها باور اعتقادی، بلکه عاملی برای رشد اخلاقی، تربیتی و معنوی انسان است و پذیرش آن زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری و تحقق عدالت، نظم و مراقبت از محیط زیست و زندگی اجتماعی می‌شود. همچنین پیامدهای انکار ربوبیت، شامل گرفتار شدن در عذاب قیامت، محرومیت از نعمت‌های بهشتی و غفلت از نشانه‌های خلقت، حکایت از ضرورت توجه انسان به هدایت و تدبیر مستمر الهی دارد.

از این منظر، ربوبیت الهی الگویی کامل از ارتباط فعال و پایدار خداوند با مخلوقات ارائه می‌کند و مسیر حرکت انسان به سوی کمال و سعادت واقعی را روشن می‌سازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که بررسی عمیق آیات الهی و توجه به نشانه‌های ربوبیت، می‌تواند راهنمایی عملی و معنوی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان فراهم آورد. بدین ترتیب، ربوبیت الهی الگویی کامل از ارتباط مستمر خداوند با مخلوقات و راهنمایی برای حرکت انسان در مسیر کمال فراهم می‌آورد.

پیشنهادهای پژوهشی

با وجود تحلیل حاضر، ظرفیت مطالعاتی درباره ربوبیت الهی در دیگر سوره‌های قرآن همچنان گسترده است. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، بررسی تطبیقی نشانه‌های ربوبیت در سوره‌های مکی و مدنی انجام شود تا تفاوت‌ها و شباهت‌های ربوبیت در نظام‌های آفرینش و معاد تبیین گردد. همچنین، تحلیل زبانی و ادبی آیات مرتبط با ربوبیت و مطالعه ارتباط آن با تربیت اخلاقی و عرفانی انسان می‌تواند افق‌های تازه‌ای در فهم نقش ربوبیت الهی در قرآن فراهم آورد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن فارس، أ. (۱۴۰۴ق/۱۳۸۴ش). معجم مقاییس اللغة. دار إحياء التراث العربی.
۲. حجتی، م. (۱۳۸۴ش). گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن). بخشایش.
۳. حسینی همدانی، م. (۱۳۸۰ش). انوار درخشان در تفسیر قرآن. لطفی.
۴. حسینی همدانی نجفی، م. (۱۳۶۳ش). درخشان پرتوی از اصول کافی. چاپخانه علمیه قم.
۵. خرمشاهی، ب. (۱۳۷۷ش). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. ناهید/دوستان.
۶. راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق/۱۳۷۱ش). مفردات ألفاظ القرآن. دار القلم؛ دار الشامیة.
۷. راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق/۱۳۷۱ش). المفردات فی غریب القرآن. دار القلم، الدار الشامیة - دمشق و بیروت.
۸. رضایی اصفهانی، م.ع. (۱۳۸۷ش). تفسیر قرآن مهر. پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۹. سبجانی، ج. (۱۳۷۶ش). الأسماء الثلاثة: الله، الرب، العبادة. مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. سبجانی تبریزی، ج. (۱۳۸۳ش). منشور جاوید: نخستین تفسیر موضوعی قرآن کریم به زبان فارسی. مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۱۱. سجادی، ج. (۱۳۶۷ش). فرهنگ معارف اسلامی. شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۱۲. شرتونی، س. (۱۴۱۶ق/۱۳۷۴ش). أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریة؛ دار الأسوة للطباعة و النشر.
۱۳. طباطبایی، م.ح. (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طبرسی، ف. (۱۳۷۷ش). ترجمه تفسیر جوامع الجامع. آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۵. طبرسی، ف. (۱۴۰۸ق/۱۳۸۷ش). تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن. دار المعرفة.
۱۶. طوسی، م. (۱۳۷۲ش). التبیان فی تفسیر القرآن. دار إحياء التراث العربی.
۱۷. عسگری، م. (۱۳۷۸ش). عقاید اسلام در قرآن کریم. مجمع علمی اسلامی.
۱۸. قرشی بنابی، ع. (۱۴۱۲ق/۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیة.
۱۹. مشکینی اردبیلی، ع. (۱۳۹۲ش). تفسیر روان. مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

۲۰. مصباح یزدی، م. (۱۳۷۴ش). آموزش عقاید. سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی.
۲۱. مصباح یزدی، م. (۱۳۸۹ش). خداشناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۲. معرفت، م. هـ. (۱۳۷۱ش). آموزش علوم قرآن. مؤسسه فرهنگی تمهید.
۲۳. مغنیه، م. ج. (۱۳۸۶ش). تفسیر کاشف. مؤسسه بوستان کتاب.
۲۴. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۶ش). برگزیده تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۷ش). پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر موضوعی قرآن. دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. نجفی، م. ج. (۱۳۹۸ش). تفسیر آسان: منتخب از تفاسیر معتبر. کتابفروشی اسلامیه.
۲۷. نقی‌پورفر، و. (۱۳۸۱ش). پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن. اسوه.
۲۸. هاشمی رفسنجانی، ا. و جمعی از محققان. (۱۳۸۶ش). تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم و موضوعات قرآن (ج ۱۴، ص ۱۲۹). مؤسسه بوستان کتاب.